



ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۲۸

۹ مرداد ۱۳۹۹ / ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۰

حقوق ما

سازمان‌های مردم‌نهاد

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، رضا حاجی حسینی، جواد عباسی توللی، احسان حسینزاده، بهنام داراییزاده

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

سازمان های مردم نهاد از منظر قوانین بین المللی



جامعه مدنی ویتربینی، مطلوب جمهوری اسلامی



سمن های ایرانی بر لبه تیغ حکومت



«سمن»ها و نقض نظام مند حقوق بشر در ایران



سازمان های مردم نهاد در ایران، محدودیتها و چشم اندازها



سازمان‌های مردم‌نهاد از منظر قوانین بین‌المللی



نیره انصاری

«ان جی او» مخفف Non Governmental Organization و به معنای سازمان غیردولتی است. سازمان غیردولتی متشکل از گروهی افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه، با تشکیلات سازمان‌یافته برای اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند. اهداف و موضوعات مورد توجه این سازمان‌ها مختص به گروه و قشر خاصی نیست و حضور تمامی افراد را در عرصه‌های مختلف رشد و توسعه کشور امکان‌پذیر می‌سازد. اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد سازمان‌های مردم‌نهاد را این‌گونه تعریف می‌کند: «به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علائق مشترک، آن را اداره می‌کنند. خدمات انسان‌دوستانه، توجه‌دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی آن و تشویق به مشارکت سیاسی، در شمار فعالیت‌های این سازمان‌ها قرار می‌گیرد.» سازمان‌هایی از این دست، با تحلیل و کارشناسی امور، در واقع نقش مکانیسم‌های هشداردهنده را بازی می‌کنند. پس از پایان جنگ دوم جهانی، مفهوم سازمان غیردولتی

از فراگیری بیشتری برخوردار شد. هر چند نام این نهاد در منشور ملل متحد قید نشده، اما ماده ۷۱ منشور، در حالی که به وظایف و اختیارات شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (ECOSOC) می‌پردازد، نام سازمان‌های غیردولتی را نیز به عنوان نهادهایی که شورا می‌تواند از ظرفیت‌های آنان جهت کسب اطلاعات دست اول و بهینه از وضعیت مناطق مورد نظر خود استفاده کند، مطرح می‌کند. با استفاده از تعاریفی که در اسناد سازمان ملل از این سازمان‌های مردم‌نهاد شده، می‌توان ویژگی‌های اصلی این سازمان‌ها را این‌گونه برشمرد:

– **غیرانتفاعی بودن**؛ اگر چه این سازمان‌ها می‌توانند در کارهای بازرگانی وارد شوند، اما سود و سرمایه حاصل از آن باید تنها صرف اجرای اهداف سازمان شود یا اینکه در خود سازمان سرمایه‌گذاری شود.

این خصوصیت در آیین‌نامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی اینگونه منعکس شده: «تقسیم‌داری، سود و یا درآمد سازمان در میان مؤسسان، اعضاء و مدیران و کارکنان آن قبل و پس از انحلال ممنوع است.»

– **استقلال از دولت**؛ سازمان‌های غیردولتی را مردم تأسیس می‌کنند و عموماً دولت‌ها در ایجاد و مدیریت آنها نقش

چندانی ندارند.

این سازمان‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که اساساً برای ایفای نقش در عرصه بین‌الملل و پاسخ‌گویی به مسائل مختلف جامعه جهانی شکل گرفته‌اند و فعالیت آنها در زمینه مسائل و رویدادهای کلان عرصه بین‌الملل است. آن دسته از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که از این شرایط برخوردار هستند، تحت عنوان «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بزرگ» (BINGOS) نیز شناسایی می‌شوند.

۲. نوع دیگری از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، شامل سازمان‌هایی است که در کشورهای مختلف دنیا شکل گرفته‌اند و بخشی از فعالیت آنها در عرصه بین‌الملل متمرکز است. اخذ مقام مشورتی، در حقوق بین‌الملل قواعد و رویه‌های خاصی در خصوص وضعیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دارد. آئین‌هایی که درخواست همکاری سازمان‌های غیردولتی را می‌پذیرند امروزه در رسیدگی‌های قضائی بین‌المللی بیشتر شبیه به یک «عرف» هستند تا یک «استثنا». نخستین محکمه‌ی بین‌المللی که اجازه‌ی استفاده از درخواست همکاری سازمان‌های غیردولتی را داد دیوان اروپایی حقوق بشر بود. در سال ۱۹۸۳، آئین دادرسی این دادگاه که مورد تجدید نظر واقع شده بود پذیرفت که دول، افراد و سازمان‌هایی که طرف دعوی یک پرونده نیستند به طور داوطلبانه بتوانند اطلاعاتی در اختیار دادگاه دیوان اروپایی حقوق بشر قرار دهند.

قوانین ایران چه می‌گویند؟

اصطلاح سازمان غیردولتی به معنایی که امروزه در سطح بین‌المللی مصطلح شده است، سابقه بسیار اندکی در ایران دارد. «ان‌جی‌او»ها به معنای سازمان‌های غیردولتی و به شکل‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها و نهادهای مردمی گفته می‌شود و در ایران جهت تطبیق بیشتر رویکردها و جهت‌گیری‌ها با شرایط داخلی و بومی‌سازی بهتر این سازمان، واژه سَمَن را جایگزین «ان‌جی‌او» کرده‌اند. سمن، مخفف و کوتاه شده «سازمان مردم‌نهاد» است.

در قانون مصوب هیئت دولت که در تاریخ ۸ مرداد ۱۳۸۴ به تصویب رسید، سازمان‌های مردم‌نهاد چنین تعریف شده است: «سازمان غیردولتی که در این آئین‌نامه "سازمان" نامیده می‌شود، به تشکل‌هایی اطلاق می‌شود که گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرحکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشد.»

بر مبنای این تعریف، سازمانی را می‌توان مردم‌نهاد نامید که

افرادی غیرحکومتی و غیردولتی و به دور از دخالت دولتی یا سازمان‌های حکومتی، آن را بنیان‌گذاری و اداره نمایند. سازمان مردم‌نهاد، یک سازمان مستقل از دولت است، اما طبیعی است که باید براساس قوانین کشور دست به فعالیت بزند.

از همین رو آیین‌نامه سال ۱۳۸۴ در خصوص مهمترین ویژگی‌های این نهادها مقرر می‌دارد:

– **غیردولتی**؛ به این معناست که دستگاه‌های حکومتی در تأسیس و اداره سازمان دخالت نداشته باشند؛

– **غیرسیاسی**؛ سازمان مردم‌نهاد نمی‌تواند اهدافی سیاسی داشته باشد و به نفع سیاستمداران، احزاب یا تشکل‌های سیاسی فعالیت نماید. این سازمان‌ها تعهد اجتماعی دارند. هدف اساسی آن‌ها خدمت به اجتماع، فقراء، گروه‌های آسیب‌پذیر، رفع تبعیض‌های جنسیتی، نژادی، مشکلات محیطی و... است. با این حال، این ویژگی‌ها نباید به معنی اجتناب از حرکت‌های جمعی و انتقادی به برنامه‌ریزی‌های دولتی و بین‌المللی تلقی شود. آن‌ها می‌توانند از سازمان‌های دولتی و جهانی انتقاد کنند، برنامه‌هایشان را افشا کنند و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیزی را برگزار کنند؛

– **داوطلبانه بودن**؛ سازمان‌های غیردولتی را مردم به صورت داوطلبانه به وجود می‌آورند. عضویت مردم در سازمان‌های غیردولتی، داوطلبانه است. تشکل‌های کارگری، سندیکاهای احزاب سیاسی، مدارس غیرانتفاعی، آموزشگاه‌های علمی آزاد یا مانند آن در ذیل سازمان‌های مردم‌نهاد قرار نمی‌گیرند؛

– **غیرانتفاعی**؛ سازمان مردم‌نهاد می‌باید غیرانتفاعی باشد. معنا اینکه هیچ‌یک از بنیان‌گذاران، اداره‌کنندگان یا اعضای این سازمان، حق کسب نفع مالی از چنین سازمانی را ندارند. سازمان مردم‌نهاد می‌تواند در ازای هزینه‌ها یا خدماتی که ارائه می‌کند، پول دریافت کند؛ اما این پول نباید موجب کسب سود شود؛

– **دارای شخصیت حقوقی**؛ سازمان‌های مردم‌نهاد در جریان تشکیل به ثبت می‌رسند و از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شوند. برخورداری از شخصیت حقوقی موجب جلب اعتماد مردم به آن‌ها می‌شود و افزون بر این می‌توانند با سازمان‌های دولتی قرارداد منعقد کنند و از تسهیلات مختلفی نظیر تسهیلات بانکی و... استفاده کنند. در ایران یک «ان‌جی‌او» بعد از ثبت و اخذ پروانه فعالیت، از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شود؛

– **مدیریت دموکراتیک و مشارکتی**؛ ماهیت مردمی سازمان‌های غیردولتی اقتضا می‌کند که فرآیند اداره آن از پایین به بالا و مشارکتی باشد. این ویژگی سبب می‌شود که



اعضا همواره بر عملکرد مدیران نظارت داشته باشند و مدیران پاسخگوی عملکردشان در برابر اعضا باشند.

– **خودگردانی:** سازمان‌های غیردولتی، از نظر مالی خودگردان هستند، هر چند آن‌ها از دولت، افراد خیر سازمان‌های بین‌المللی و ... کمک‌هایی دریافت می‌کنند، با این حال این کمک‌ها نباید موجبات وابستگی‌شان را به منابع کمک‌کننده فراهم کند، به نحوی که سازمان‌های غیردولتی از تعهدات اجتماعی و اهدافشان دور شوند. در ایران منابع مالی تامین‌کننده یک سازمان غیردولتی می‌تواند «هدیه، اعانه و هبه اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخلی و خارجی و دولتی و غیر دولتی، همچنین وقف و حبس» باشد.

تبصره ۱ ماده ۲۱ آیین‌نامه سازمان‌های غیردولتی مقرر می‌کند: «اساسنامه سازمان باید بر رأی‌گیری آزاد از تمام اعضا برای انتخاب مدیران و همچنین نحوه تغییر مدیران و

دوره تصدی آن‌ها و نیز تصمیمات اساسی در ایجاد هر گونه تغییر و تاثیرگذاری تصریح کند».

افزون بر این، سازمان می‌تواند از حق عضویت وجوه حاصل از فعالیت‌های انجام شده در چارچوب موضوع فعالیت، اهداف و اساسنامه سازمان و این آیین‌نامه استفاده کند.

حضور سازمان‌های مردم‌نهاد، می‌تواند موجب کاهش تصدی‌گری دولت شود. سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیاری از حوزه‌ها قادر هستند تا حضور یابند و مسائل و مشکلات را بدون دخالت یا هزینه‌های دولتی حل نمایند.

نواقص و چالش‌های حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران

سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد (سمن یا NGO) بخشی از

جامعه مدنی و گروه‌های ذی‌نفع در بستر جامعه‌ی کثرت‌گرا هستند که براساس آن، افراد متعدد با آرمان‌های مشترک، به منظور به دست آوردن امتیازاتی برای هدف خود یا آرمانی ویژه، موضع مشترکی را اتخاذ می‌کنند و دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهند بدون آنکه هدف منفعت طلبانه یا کسب قدرت را داشته باشند.

برای بررسی دقیق مبانی قانونی کشورها و کارایی نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد، ضرورت دارد چهار مولفه در نظر گرفته شود: آزادی‌های اساسی در قلمرو سازمان‌های مردم‌نهاد، اداره مطلوب، امور مالی و شفافیت.

هریک از سنجه‌های بالا، نقش مهمی در شناسایی و تطبیق جایگاه تشکلهای غیردولتی در کشور مورد مطالعه خواهد داشت. نبود قانون مستقل برای سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از چالش‌ها و خلأهای بزرگ در نظام حقوقی ایران بوده است.

ماده ۵۸۴ قانون تجارت مصوبه ۱۳۱۱ را می‌توان نخستین مقرر صریح در این ارتباط محسوب کرد. در این ماده به تشکیلات و موسسات دارای مقاصد غیرتجارتی اشاره شده و ماده ۵۸۵ نیز شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مورد نظر را به نظام‌نامه وزارت عدلیه ارجاع داد.

پس از قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، ماده ۱۸۲ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به سازمان‌های غیردولتی پرداخت تا آن‌که نخستین آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۵ به تصویب هیأت وزیران رسید. آیین‌نامه یاد شده در سال ۱۳۸۲ اصلاح و در تاریخ ۸۴/۳/۲۹ (بنا به پیشنهاد مورخ ۸۳/۵/۸ وزارت اطلاعات) از نو تصویب شد. آیین‌نامه اجرایی آن نیز در تاریخ ۸۴/۵/۸ به تصویب هیأت وزیران رسید و هم‌اکنون مورد اجرا قرار می‌گیرد.

نواقص قانونی

با بررسی آیین‌نامه موجود حاکم بر فعالیت سمن‌ها در ایران، با وجود برخی پیشرفت و توسعه در برخی دوره‌ها (مانند دهه ۷۰) مشکلات قانونی فراوانی مشاهده می‌شود و در مقایسه با قوانین سایر کشورها، عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد.

ازجمله:

- فرایند طولانی و سخت‌گیرانه تأسیس و ثبت، نظارت شدید برخی مراجع در بررسی صلاحیت‌ها و اظهارنامه‌ها، تداخل قانونی و موازی‌کاری در ثبت سازمان‌های غیردولتی، نبود مکانیزم‌های قوی و موثر شفافیت و گزارش‌دهی، عدم کارکرد واقعی سمن‌ها به عنوان نهادهای مدنی در اقدامات جمعی و تصمیم‌سازی‌ها، ضعف ساختاری و حقوقی در مسیر کمک و حمایت سمن‌ها از حقوق بشر و نظارت موثر بر دولت، عدم امکان فعالیت سازمان‌های غیردولتی خارجی و نبود مکانیزم‌های آسان جهت بهره‌گیری سازمان‌ها از نشریات، رسانه‌ها و تجمعات.

- چالش مهم و بنیادی دیگر، وجود مقرره‌ای در قالب آیین‌نامه (و نه قانون مصوب مجلس) به عنوان مبنای حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد است که همین ماهیت مقررده بودن، چالش‌های مختلفی را ایجاد کرده است. بنابراین هم‌اکنون مبنای حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد، نه قانون مصوب مجلس، بلکه مقرره‌ای در قالب آیین‌نامه است و تلاش برای تصویب قانون نیز در سال ۸۷ در قالب طرح (نه لایحه) در مجلس صورت گرفت که به جهت بروز برخی مشکلات و اعتراضات گسترده (به دلیل ضعف ماهوی و شکلی) از دستور کار خارج شد.

- به منظور سامان‌دهی وضعیت قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی «طرح ناظر بر تأسیس سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد» توسط نمایندگان مجلس تهیه شد. طرح پیشنهادی سال ۹۲ مجلس، تلاش در مسیر تصویب قانونی جامع برای سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است. این طرح ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در تاریخ ۸۹/۸/۳۰ در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی با ۳۴ ماده اعلام وصول و پس از تغییرات فراوان در کمیسیون اجتماعی با ۴۶ ماده در صحن علنی ارائه شد. اما رسیدگی به طرح سازمان‌های مردم‌نهاد تا ماده ۲۷ پیش نرفت و به دلیل مخالفت نمایندگان مجلس و اعتراض نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد با برخی مواد طرح و بازتاب‌های منفی بین‌المللی، طرح یاد شده مسکوت ماند. این طرح به کمیسیون اجتماعی بازگردانده و فرصتی برای بررسی آن در مجلس هشتم فراهم نگردید و به مجلس نهم واگذار شد. مجلس نهم نیز طرح را با ۳۴ ماده مجدداً برای اعلام وصول به هیأت‌رییسه ارائه نمود!

از قوای سه‌گانه و حتی خارج از قوای سه‌گانه که همگی در تصمیم‌گیری‌ها سهمیم هستند با اصل مورد نظر مغایرت دارد! - اشکال دیگر در این طرح، ترکیب غیرتخصصی و غیرضروری هیأت‌عالی نظارت است که ماهیتی کاملاً دولتی و حکومتی دارد. در صورتی که باید نمایندگان سازمان‌های غیردولتی نیز در این ترکیب حضور موثری داشته باشند. نظام صدور مجوز در ایران پرحجم و سخت‌گیرانه است و برخی محدودیت‌ها موجب کاهش فعالیت سمن‌ها و تشکل‌های مدنی واقعی در کشور شده است. از نابختراری در طرح پیشنهادی نمایندگان، همچنان سخت‌گیری‌های موجود و طولانی‌بودن روند ثبت سمن، مورد تأیید قرار گرفته است و موسسین سازمان مردم‌نهاد با مراحل طولانی در فرایند ثبت خود مواجه هستند. در طرح پیشنهادی، شاهد ایجاد محدودیت و دخالت‌های گسترده دولت در سازمان‌های مردم‌نهاد است. با اصلاحاتی که در متن پیشنهادی مجلس در کمیسیون اجتماعی صورت گرفته نقش دولت چند برابر شده و این نوعی نقض غرض است. زیرا هزینه حضور دولت بیش از نفعی است که از حضور سازمان‌های غیردولتی خواهد بود. با مذاقه نظر در مواد طرح مشاهده می‌شود که وزن و اهمیت کنترل و تعیین تکلیف برای این سازمان‌ها چنان است که «تأثیربازدارندگی» آن در تأسیس بیش از «آثار تشویقی» آن است.

در این طرح که به زعم پیشنهاددهندگان در تطابق با سایر نظامات بین‌المللی و وضعیت حقوقی حاکم بر سازمان‌های غیردولتی سایر کشورها نگارش یافته، نکات مبهم و قابل انتقاد دیگری نیز وجود دارد؛ همچون اشکال در ترکیب هیأت‌عالی نظارت، نحوه فعالیت سمن‌ها در سازمان‌های بین‌المللی، تشویق و تنبیه و شرایط بهبود مستمر عملکردی و ... در هر صورت در هر طرح و لایحه‌ای در ارتباط با سمن‌ها باید به نقاط عطفی چون «آزادی و سهولت در تأسیس و ثبت و عدم دخالت دولت در شکل‌گیری و فعالیت این نهادها» توجه داشت. نظارت بر آنها نیز باید منطقی بوده و بنا را بر اعتماد گذاشت. شفافیت و پاسخ‌گویی سازمان‌های مردم‌نهاد به گروه‌های ذینفع و عموم شهروندان نیز باید تضمین شود.

راهکار

در شرایط تحریم نیز سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند مشارکت بیشتری در حوزه‌های مختلف داشته و ضمن دفاع از حقوق ملت ایران در مجامع جهانی مختلف، به دولت در برداشتن موانع و مشکلات پیش روی جامعه هشدار دهند. سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی می‌توانند پرچمدار صلح و دوستی ایرانیان در مجامع جهانی باشند چنین امری بی‌شک نیازمند اعتماد

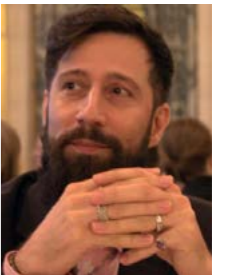
هرچه بیشتر میان سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های دولتی است. بوروکراسی دست و پا گیر، قوانین پیچیده و نبود برنامه مشخص از سوی دولت برای استفاده از توان سازمان‌های مردم‌نهاد، موانعی اساسی هستند. پس، اعتماد شرط نخست دستیابی به این هدف است و به ویژه خواسته سازمان‌های مردم‌نهاد خوشنام آن است که دولت پس از گذشت ۱۰ تا ۲۰ سال از فعالیت برخی از این سازمان‌ها، بیش از دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به آنان اعتماد کرده و فرصت فعالیت را برای این سازمان‌ها مهیا نماید، امری که نیازمند عزم جدی حکومت است!

فرجام سخن

پیشینه استبدادی در برخی کشورها موجب می‌شود که گسترش نهادهای مدنی آسان نباشد. هم چنین سبب می‌گردد تا برداشت‌های نادرستی از کارکرد نهادهای مدنی از سوی دولت و مردم وجود داشته باشد.

در حقیقت می‌توان گفت نهاد مدنی مستقل از دولت است. برای نمونه سقوط دولت آلمند در شیلی، به قدرت رسیدن رهبران نهادهای طرفدار محیط زیست در آلمان، نقش آفرینی نهادهای مدنی و مدافع حقوق کارگران و زنان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و... نشانگر نقش تأثیرگذار نهادهای مدنی در عرصه سیاسی هستند. بنابراین، دولت قوی و کارآمد و نه دولت ناتوان، تنها زمانی شکل می‌گیرد که جامعه مدنی، قوی و توسعه یافته باشد. و مفهوم مخالف آن، این است که در غیاب جامعه مدنی قوی و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد، توسعه ناموزن، نامتوازن و کاریکاتورگونه شکل خواهد گرفت. محدود کردن فعالیت سازمان‌های جامعه مدنی از طریق عدم صدور مجوز تأسیس و فعالیت، بازنگری در قوانین و مقررات، قطع یارانه‌ها، ایجاد رعب، وحشت و دستگیری و بازداشت فعالان جامعه مدنی و افزایش دادن هزینه فعالیت در عرصه جامعه مدنی، سوق دادن سازمان‌های جامعه مدنی به سوی کارهای خدماتی، امدادی و خیریه‌ای، [سیاست تقویت نهادهای مذهبی] در برابر جامعه مدنی مستقل، تلاش به منظور قطع ارتباط بین سازمان‌های جامعه مدنی ایران و بین‌المللی و در نهایت کوتاه کردن سرپل‌ها و حلقه‌های ارتباطی، مداخله در امور و اداره سازمان‌های جامعه مدنی و شبکه‌های همکاری، تلاش برای سرکوب و محدود کردن فعالیت‌های سازمان‌های جامعه مدنی مستقل از طریق پلمپ و انحلال آنها، جلوگیری از ایجاد و گسترش شبکه‌های همکاری در بین فعالان و سازمان‌های جامعه مدنی و... تنها بخشی از نگاه مقابله‌جویانه دولت با نهادهای مدنی است.

جامعه مدنی ویترونی، مطلوب جمهوری اسلامی



رضا حاجی‌حسینی

بگیر و ببند، تهدید و ارعاب به شکل آشکار یا نهان، بازداشت، شکنجه و زندان و ...

حتی کارهای داوطلبانه عام‌المنفعه و فعالیت‌های مدنی هم ممکن است در ایران چنین جواب‌هایی بگیرند؛ چنانچه به گزارش خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)، در مرداد ماه سال ۹۹ احکام حبس و مجازات‌های دیگر برای دست‌کم ۲۸ فعال مدنی صادر شده است.

یک نمونه دیگر از فشارها بر جامعه مدنی در ایران: شارمین میمندی نژاد، مؤسس جمعیت امام علی که به عنوان یک سازمان نیکوکاری و مردم‌نهاد شناخته می‌شود، اول تیر ۹۹ به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد. حساب کاربری جمعیت امام علی در توئیتر گزارش داد که نیروهای امنیتی با حضور در منزل او، مرتضی کی‌منش، مسئول رسانه‌ای جمعیت امام علی و کتایون افزاره، بازرس علی‌البدل این جمعیت را هم بازداشت کردند. همزمان با این بازداشت‌ها، دفتر این موسسه خیریه هم پلمب شد.

مرتضی کی‌منش روز چهارشنبه اول مرداد و کتایون افزاره روز سه‌شنبه ۳۱ تیر به قید وثیقه آزاد شدند اما جریان فشار و برخورد با جمعیت امام علی که از سال ۹۶ شکل گرفته و روزنامه کیهان، رسانه اصولگرایان تندرو، مؤسس این انجمن را به افکار التقاطی و جعل حدیث و مخالفت با جنگ متهم می‌کند، این پیام را به افکار عمومی می‌رساند که انجام دادن کارهای شبکه‌ای منجر به نفوذ در

اذهان و قلوب مردم، جز از سوی نهادهای دست‌ساز حکومتی که مورد اعتماد، تحت امر و زیر نظر حاکمیت هستند، ممنوع است. در همین راستا ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضاییه روز یک‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ۹۹ در «نشست تشکل‌های مردم‌نهاد و گروه‌های جهادی» گفت: «بعضی از جریان‌ات ضدانقلاب به خواسته دشمنان ما، دنبال آنند در یک امری که در دل مردم زود جای می‌گیرد که توجه به خیر و خیرات و امور خیریه است، مجموعه‌هایی برپا کنند. وقتی ریشه این‌ها را بررسی می‌کنید، می‌بینید ریشه خیرخواهانه و توجه به مردم ندارند و یک ریشه بدخواهانه پشت آن است.»

حسن روحانی، رئیس‌جمهوری هم روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۹۹ در دیدار مشابهی به سازمان‌های مردم‌نهاد هشدار داد و از آنان خواست جلوی ورود «آدم ناسالم» را در جمع خود بگیرند. هشدار دادن‌ها درباره «نفوذ» که از جمله کلیدواژه‌های امنیتی در جمهوری اسلامی است با توجه به بگیر و ببندها، نگرانی‌ها در مورد فعالیت‌های مدنی را بیشتر کرده است.

یک کنشگر سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران که به دلیل ملاحظات امنیتی خود را «سیاوش سهند» معرفی می‌کند (نام مستعار)، به «حقوق ما» می‌گوید: «دو رویکرد در ساختارهای دولتی و حاکمیتی نسبت به سازمان‌های مردم‌نهاد وجود دارد. یک رویکرد امنیتی که نگاهش به سازمان‌های مردم‌نهاد به صورت عاملی خطرناک است که یا وسیله نفوذ خارجی هستند یا امکان تشکل‌یابی سیاسی و برای همین هیچ شکل تشکل مستقل، حتی خیریه مستقل را

تحمل نمی‌کند. رویکرد دوم نگاهش به سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهایی برای برون‌سپاری خدمات و مسئولیت‌های اجتماعی دولت در یک چهارچوب نتولیبرالی است و همچنین در یک چارچوب سیاسی می‌خواهد جنبش‌های اجتماعی را انجویزه (غیرسیاسی، پراکنده و تخصصی) کند و از این طریق مقاومت‌های اجتماعی را به خرده کنش‌های جداگانه بدل سازد. این رویکرد اصلاح طلبانه و اعتدالی به سازمان‌های مردم‌نهاد است.»

به گفته سیاوش سهند، یک مشکل در مورد فعالیت مستقل سازمان‌های مردم‌نهاد، مسأله تفسیر غیرسیاسی بودن است که برداشت‌های سلیقه‌ای از آن می‌شود: «در حالی که غیرسیاسی بودن به معنی عدم شرکت در انتخابات، حمایت از کاندیداها و عدم اقدام برای تصرف قدرت سیاسی است، گاه از آن عدم موضع‌گیری در مورد سیاست‌ها برداشت می‌شود (نظیر اظهار نظر اخیر وزارت کشور در مورد جمعیت امام علی).»

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور چهارم تیر ۹۹ از قول زهرا عابدینی، معاون مشارکت‌های اجتماعی وزارت کشور نوشت با توجه به گزارش‌های ارائه شده در مورد تخلفات و فعالیت‌های خارج از وظایف و مأموریت‌های تعریف شده در اساس‌نامه جمعیت امام علی و اقدامات «مغایر با معیارهای قانونی و دینی کشور»، برابر بند یک ماده ۳۴ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد، قبلاً تذکر کتبی به این جمعیت داده شده.

به گفته عابدینی، عضویت افراد در تشکل‌ها و مؤسسات مردم‌نهاد یا خیریه مانع از اعمال قانون در خصوص تخلفات اعضای آنها توسط مراجع قضایی ذی‌ربط نیست و مصونیت قضایی برای آنان ایجاد نمی‌کند.

آیین‌نامه‌هایی علیه تسهیل امور

از جمله شاخص‌های مدنیت در یک کشور می‌تواند میزان گستردگی و فعالیت NGOها یا سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. اینکه گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و ... بتوانند بر اساس نقاط اشتراکشان، آزادانه مجموعه‌ای را تشکیل دهند و به فعالیت بپردازند، نشان دهنده میزان بلوغ و سطح تحمل و مدارا در یک جامعه است. علاقه‌مند نبودن جریان حاکم در ایران به فعالیت‌های مدنی اما باعث ایجاد موانع مختلفی بر سر راه این‌گونه فعالیت‌ها شده است. از جمله این موانع، طرح تأسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد است.

به گفته سیاوش سهند، قانون ناظر بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و حمایت از آنها و آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد، مصوب ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ است که شیوه اجرایی آن در وزارت کشور به خصوص در مراحل درخواست و ثبت سازمان مردم‌نهاد، با توجه به شیوه‌نامه‌های این وزارت‌خانه سخت‌گیرانه‌تر از پیش شده است:

«برای مثال در آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد، مرجع تشخیص و تأیید بنا بر درخواست حوزه جغرافیایی فعالیت، شورای ملی، شورای استانی، شورای شهرستانی و بخش‌داری است اما در مراحل انجام کار، نهاد هیأت نظارت تعریف شده است که استعلامات چهارگانه (قوه قضاییه، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و دستگاه تخصصی) را انجام می‌دهد (موضوع دشوار آن است که ملاک‌های سنجش‌پذیر و عینی در این زمینه نیست و می‌تواند برخوردهای سلیقه‌ای صورت پذیرد).»

سهند در ادامه به حقوق ما می‌گوید: «مجوز فعالیت در مقیاس محله یا روستا با بخش‌داری‌هاست. در مورد روستاها اطلاعی ندارم اما در مورد محله‌ها مواردی بوده که رجوع کرده‌اند اما به شهرداری ارجاع داده شده‌اند و از شهرداری هم دوباره به بخش و در نهایت به نتیجه نرسیده‌اند. حال یا بخش‌داری از موضوع مطلع نیست یا اینکه نمی‌خواهد مسئولیت برعهده بگیرد.»

به گفته این کنشگر سازمان‌های مردم‌نهاد، یک اشکال دیگر در آیین‌نامه سازمان‌های مردم‌نهاد در خصوص حمایت از آنها، بند ب ماده ۳۶ است که علاوه بر عدم انطباق وضعیت با دستورالعمل اجرایی ماده ۳۹، امکان انحلال از طریق حکم دادگاه صالح را فراهم کرده است بدون آنکه چارچوب تخلفاتی که بر این اساس دادگاه صالح می‌تواند در این زمینه ورود و حکم صادر کند و تعریف دادگاه صالح رسیدگی کننده به تخلفات سازمان‌های مردم‌نهاد مشخص باشد: «این می‌تواند تبعاتی داشته باشد. برای مثال شعبه دادگاه انقلابی علیه سازمان مردم‌نهادی اقامه دعوی کند مثلاً به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق اجتماع و تبانی. این عناوین کلی مجرمانه که نسبت داده می‌شود معلوم نیست چگونه می‌خواهد بر اساس فعالیت سمن‌ها بررسی شود.»

سیاوش سهند یک مشکل مهم دیگر در فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را موضوع نحوه ارتباطات بین‌المللی و دریافت کمک‌های خارجی می‌داند: «برای این کارگروه ماده ۲۳ در آیین‌نامه لحاظ شده است که شامل وزارت کشور، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه است و سخت‌گیری در این زمینه بسیار زیاد است. همین موضوع موجب عقب‌ماندگی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به نسبت کشورهای پیرامونی (هند، افغانستان، پاکستان، بنگلادش، ترکیه، لبنان و...) شده است.»

حمایتی در کار نیست

انقلاب ۵۷ یک انقلاب مردمی بود. یعنی خواست آن این بود که عده بیشتری از طبقات مختلف مردم بتوانند در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند. بنابراین ایده اولیه تشکیل حکومت جمهوری اسلامی بر مبنای مردم‌نهاد بودنش شکل گرفت، اما ایدئولوژی اصلی حکومت به تدریج



از این مردم‌نهاد بودن کاملاً فاصله گرفت. یکی از تبعات آن را هم می‌توانیم در مشکلاتی ببینیم که برای سازمان‌های غیروابسته به دولت ایجاد می‌شود.

این گفته‌های پگاه بنی‌هاشمی، وکیل دادگستری و کارشناس حقوق بشر است. او درباره نبود قوانین حمایتی در زمینه فعالیت‌های مدنی به حقوق ما می‌گوید: «به غیر از آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی چیز دیگری در این زمینه وجود ندارد. هر قدر که سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی در دنیا در حال رشد هستند و به پایگاه بسیار مهمی تبدیل شده‌اند، به همان میزان در ایران شاهد افت این جریان هستیم.»

در دهه ۷۰ و با روی کار آمدن دولت محمد خاتمی در ایران، مباحثی همچون جامعه مدنی و گفت‌وگوی تمدن‌ها مورد توجه دولت و جریان اصلاح‌طلب قرار گرفت و تأکید و تمرکز به سمت بهادادن به سازمان‌های مردم‌نهاد رفت اما با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، اصولگرایان سکان دولت را در دست گرفتند و به تدریج تمام این سمن‌ها با برخوردهای امنیتی مواجه شدند.

به گفته بنی‌هاشمی، مشکل حکومت جمهوری اسلامی با سازمان‌های مردم‌نهاد به طور کلی این است که این سازمان‌ها وجه مردمی دارند نه وجه کنترلی.

او برای تشریح موضوع به برنامه‌های دولت برای خصوصی‌سازی اشاره می‌کند و می‌گوید: «خصوصی‌سازی مورد نظر جمهوری اسلامی نه سپردن امور به مردم که تنها از باب مسائل مالیاتی و تسهیلات بانکی و موضوعاتی از این دست است اما کنترل باید با نظام و حکومت مرکزی باشد.»

این حقوق‌دان بر این مبنا معتقد است اولین مشکل سازمان‌های مردم‌نهاد، رویکرد ایدئولوژیک و کنترل‌محور جمهوری اسلامی

است: «اینکه یک سازمان در چه حوزه‌ای فعالیت می‌کند اهمیتی برای حکومت ندارد. مسأله اصلی کنترل است و به همین دلیل هم سمن‌ها نتوانسته‌اند فعالیت خیلی موفقی در ایران داشته باشند. البته یکی از استثناها جمعیت امام علی است که در طول سال‌های گذشته توانست موفق عمل کند. یعنی تا این لحظه نتوانستند از آن خلاف مالی پیدا کنند چون همان‌طور که در آیین‌نامه آمده، این جمعیت نمی‌تواند حالت انتفاعی داشته باشد و شاهد هستیم که در حال حاضر با مؤسسين و فعالان جمعیت امام علی برخوردهای امنیتی می‌کنند. علت اصلی برخورد این است که حکومت ایران به‌طور کلی ایده سازمان مردمی را بر نمی‌تابد.»

بنی‌هاشمی مثال‌های دیگری هم برای این نظرش دارد و به عنوان نمونه به دفتر صلح و دموکراسی در دانشگاه شهید بهشتی اشاره می‌کند:

«با کمک سازمان یونسکو دفتری تحت عنوان دفتر صلح و دموکراسی، کرسی حقوق بشر در دانشگاه شهید بهشتی تشکیل شد. این انجمن مردم‌نهاد در دهه ۸۰ با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شد و در حال حاضر به جایی رسیده که علی‌رغم اینکه بسته نشده، اما فعالیت خاصی هم ندارد.»

سازمان‌های مردم‌نهاد و قانون اساسی

اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی را آزاد می‌داند اما آیا ابطال مجوز انجمن‌های مردم‌نهاد توسط قوه قضاییه، نقض این اصل قانونی نیست؟

پگاه بنی‌هاشمی در پاسخ به این سوال می‌گوید نمی‌توان موضوع را سفید یا سیاه دید، به این دلیل که قوه قضاییه هدف خود از

تعطیل کردن این انجمن‌ها را عمل بر خلاف قانون اساسی نمی‌داند: «موضوع نوع دیدگاهی است که بر این سازمان‌ها نظارت دارد. قوه قضاییه نگاه امنیتی به این موضوع دارد. می‌توان گفت قانون اساسی این آزادی را تأیید کرده اما در حکومت آن‌قدر که بایسته است به آن بها داده نمی‌شود. مثل مسأله اعتراضات مسالمت‌آمیز که راه مجوز گرفتن وجود دارد اما هیچ‌وقت مجوز برای کسی صادر نمی‌شود.»

به گفته این حقوق‌دان، فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در هر کشوری نشان‌دهنده پیشرفت آن کشور است: «در کشورهایی که توسعه‌یافته هستند، سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت چشم‌گیر دارند و حتی چهره‌های برجسته‌ای هم در آنها فعالیت دارند. هر قدر میزان توسعه یافتگی یک کشور بیشتر باشد، فعالیت انجمن‌های مردم‌نهاد در آن بیشتر است. فایده این انجمن‌ها هم این است که جدا از مسائلی مثل مرزها، مذهب و نژاد، می‌توانند کارهای عام‌المنفعه بکنند یا در جهت تأمین حقوق بشر کار کنند.»

او فعالیت جمعیت امام علی را در همین راستا ارزیابی می‌کند و به حقوق ما می‌گوید: «این جمعیت از انجمن‌های مردم‌نهادی‌ست که توانست مشکلات زیر پوست کشور را نشان دهد. مثل معضل کودک‌همسری و ازدواج اجباری در ایران، مسائل مربوط به قتل‌های ناموسی و ... اما فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد فقط کمک‌رسانی نیست و گاهی اوقات آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی هم هست. یعنی مهم نیست که آیا قدرت اجرایی دارد یا نه بلکه مهم این است که آیا می‌تواند از طریق امکاناتی که دارد، توجه افکار عمومی را به سمت مشکلات جامعه جلب کند؟ جمعیت امام علی جدا از اینکه تا چه میزان توانسته به فقرا کمک کند، در مسأله آگاهی‌بخشی موفق عمل کرده و شاید همین موضوع هم سبب شده است که با

آن برخورد کنند.»

استقلال، آزادی، جامعه مدنی ویتربنی

رویکرد امنیتی حکومت به سازمان‌های غیردولتی و سمن‌ها این نهادها را در موقعیتی دشوار قرار داده است و در عمل امکان فعالیت مستقل را از آنان گرفته است.

پگاه بنی‌هاشمی اما درباره این وضعیت می‌گوید چون این سازمان‌ها طبق قانون موظف به پاسخگویی به نهادهای حکومتی نیستند، همیشه با سوءظن قوه قضاییه و نهادهای امنیتی روبه‌رو می‌شوند. به گفته او همین نگاه بدبینانه سبب شده است که در حال حاضر تقریباً هیچ‌گونه فعالیت مردمی مستقلی در داخل وجود نداشته باشد:

«کشورهایی موفق هستند که غیر از دولت، فعالیت‌های مردم‌نهاد را هم رشد دهند و شکوفا کنند. حتی در برخی از کشورها به صورتی عمل می‌کنند که نقش قوه قضاییه را کمتر کنند و مثلاً اگر دو شرکت تجاری با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند، شرکت ثالثی به عنوان داور انتخاب می‌شود. این یعنی برای هر مسأله‌ای لازم نیست از سیستم‌های دولتی استفاده شود. این رویکرد نقش دولت را در یک جامعه کوچک‌تر می‌کند و نقش آحاد مردم را فعال‌تر. در قانون اساسی جمهوری اسلامی بسیاری از موارد این‌چنینی گنجانده شده اما در عمل می‌بینیم از اصول فاصله زیادی گرفته‌اند. از جمله از همین اصل ۲۶ که به آن اشاره شد.»

در حال حاضر سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌ها، اتحادیه‌های کارگری، نهادهای صنفی و ... در ایران، هر کدام با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو هستند و از هر کدامشان چند نفر یا قبلاً در زندان بوده‌اند یا در حال حاضر تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. اینکه چرا جمهوری اسلامی از طرفی مجوز فعالیت برای انجمن‌های مردم‌نهاد صادر می‌کند و از طرف دیگر آنها را سرکوب می‌کند، سوالی‌ست که پگاه بنی‌هاشمی در پاسخ به آن می‌گوید:

«در قوانین ایران برخی فعالیت‌ها ممنوع نشده اما در عین حال نهادهای حکومتی با آن فعالیت‌ها موافق نیستند. این یکی از اشکالات اساسی حکومت جمهوری اسلامی است. البته این را هم بگویم که ایران تنها کشوری نیست که این مشکل را دارد. برای نمونه در ایران هیچ‌گاه اعلام نمی‌کنند راهپیمایی ممنوع است اما می‌گویند برای هر راهپیمایی‌ای می‌توانید مجوز بگیرید و در عمل به هیچ‌کس مجوز نمی‌دهند. اینکه چرا از اساس با تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد مخالفت نمی‌کنند به این خاطر است که این ویتربنی‌ترین برایشان مهم است اما در نهایت هیچ‌کدام از سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران نتوانسته‌اند به فعالیت خود ادامه دهند، مگر اینکه بخشی از حکومت شده باشند.»

سمن‌های ایرانی بر لبه تیغ حکومت



احسان حسین‌زاده
سمن چیست؟

شاید بتوان در ساده‌ترین شکل، سازمان‌های مردم‌نهاد یا ان‌جی‌او^۱ را این‌گونه تعریف کرد: سمن‌ها سازمان‌هایی هستند که برای دستیابی به اهداف عالی اجتماعی و سیاسی در جامعه بدون دخالت دولت تشکیل می‌شوند.^۲ می‌توان فعالیت‌های سمن‌ها را به دو بخش عمده، اول کمک و ارائه خدمات به اشخاص آسیب دیده و دوم حمایت یا ترویج سیاست‌های خاص و کمپین کردن برای تغییرات اجتماعی در جامعه تقسیم‌بندی کرد.^۳ در بسیاری از کشورها مقررات حاکمیتی خاصی برای تشکیل سمن‌ها وجود دارد اما در کشورهای زیادی هم سمن‌ها به صرف تشکیل و گردهم آمدن چند انسان یا گروه و حتی بدون ثبت نزد مقام‌های دولتی به رسمیت شناخته می‌شوند.

برای مثال در حقوق فرانسه سمن‌ها حتی بدون ثبت شناسایی می‌شوند اما ثبت آن‌ها همراه با مزایایی است که موسسین سمن را ترغیب به ثبت نزد مقام‌های دولتی می‌کند.^۴ بنابراین سمن‌ها چه تحت نظارت دولت به ثبت برسند چه به ثبت نرسند، سازمان‌هایی هستند که بدون وابستگی به حکومت در راستای اهداف خود عمل خواهند کرد.

به بیان بهتر ضابطه شکلی و ثبت آن‌ها مهم نیست بلکه اهداف و فعالیت‌های آن‌ها مهم است که باید در راستای امور عام‌المنفعه و ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت در بطن جامعه باشد. سمن‌ها از دولت مستقل‌اند و این استقلال از دولت، هم باید در منابع مالی سمن‌ها باشد و هم در تصمیم‌گیری‌های آنان. یعنی سمن‌ها نباید

تحت نفوذ مالی و ساختاری حکومت باشند چرا که نفوذ دولتی استقلال عمل آن‌ها را خدشه‌دار خواهد کرد.

نقش مهم سمن‌ها در جامعه مدنی

سمن‌ها عضو لاینفک دموکراسی‌ها هستند تا آنجا که می‌توان گفت هیچ کشوری بدون داشتن سمن‌های قدرتمند توان تبدیل شدن به یک دموکراسی را ندارد. صاحب‌نظران این عرصه سه نقش عمده را برای سمن‌ها در جهت تقویت دموکراسی عنوان کرده‌اند:^۵ اول. سمن‌ها باعث می‌شوند تا آگاهی و ابزار لازم برای حمایت و احترام به حق آزادی بیان و تجمعات شهروندان فراهم شود؛ دوم. سمن‌ها تضمینی برای یک انتخابات سالم و منصفانه در تمام کشورها هستند؛ و سوم اینکه سمن‌ها به ساختن و مستحکم کردن حاکمیت قانون و پاسخگو نگه داشتن حکومت‌ها کمک می‌کنند، طوری که حقوق شخصی افراد در جامعه همیشه محترم بماند فارغ از اینکه چه شخص یا حزبی قدرت را در جامعه در دست دارد.

سمن‌ها نه تنها عضو موثری از جامعه مدنی داخلی کشورها هستند بلکه دامنه نفوذ و تاثیرگذاری آن‌ها به مرزهای کشورهای محدود نمانده است. ما امروز سازمان‌های مردم‌نهاد جهانی نظیر عفو بین‌الملل را داریم که نقش مهمی در جامعه مدنی بین‌المللی ایفا می‌کنند. اولین شناسایی رسمی^۶ سمن‌ها در حقوق بین‌الملل به ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد^۷ برمی‌گردد، جایی که سمن‌ها می‌توانند مخاطب مشورت‌خواهی شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل قرار بگیرند. هرچند امروزه سمن‌های ایرانی با فشارهای فراوانی از جانب حکومت ایران مواجه‌اند، اما برخی از آنها

5. <https://2009-2001.state.gov/g/drl/rls/rm/68658/2006.htm>

6. <https://learning.candid.org/resources/knowledge-base/ngo-definition-and-role/>

7. <https://www.un.org/en/sections/un-charter/un-charter-full-text/>

به لحاظ بین‌المللی شناسایی و وجهه خوبی کسب کرده‌اند.^۱

نقش دادگستری مستقل در رشد سمن‌ها

قوه قضاییه مستقل نقش چشمگیری در استمرار فعالیت سمن‌ها دارد. بدون وجود قوه قضاییه مستقل که حامی اصول جهانی حقوق بشر باشد، عملاً ماهیت سمن‌ها در خطر انقراض خواهد بود. سیاستمداران و احزابی که منافعشان در رشد دموکراسی نیست همواره با سمن‌ها مشکل داشته‌اند چرا که سمن‌ها به مثابه چشمان جامعه فعالیت آن‌ها را رصد و سعی در پاسخ‌گو کردن آن‌ها می‌کنند. بنابراین سمن‌ها همواره از جانب اصحاب قدرت در معرض تهدیدند. اینکه این تهدید فقط در کشورهای غیردموکراتیک وجود ندارد بلکه بر اساس گزارش‌ها^۲ در کشورهای نظیر ایتالیا، لهستان، کرواسی و رومانی هم سمن‌ها از جانب سیاستمداران تحت فشار هستند.

اما در این میان تفکیک قوا و اصل نظارت قوه قضاییه بر قوه مجریه می‌تواند سمن‌ها را از زیر فشار سیاستمداران قوه مجریه خارج کند کما اینکه در بسیاری از موارد هم خارج کرده است. این استقلال قوه قضاییه^۳ است که خواهد توانست خارج از دایره نفوذ قوه مجریه و همینطور مقننه، از این اعضای موثر جامعه مدنی دفاع کند.

امری که متأسفانه در نظام حقوقی ایران به دلیل وابسته بودن قوه قضاییه به مقام رهبری و نهادهای نظامی زیرمجموعه او، عملاً امکان تحقق را نداشته و استقلال و ماهیت سمن‌ها را در ایران با مشکل جدی مواجه کرده است.

سرکوب توسط سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات

سال‌هاست که سمن‌ها در ایران تحت فشار و سرکوب سیستماتیک نهادهای نظامی-امنیتی نظیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت اطلاعات و همچنین بسیج و نیروی انتظامی قرار دارند. این فشار و سرکوب از قبل از شکل‌گیری یک سمن وجود دارد تا زمانی که سمن مورد نظر در اثر فشار این نهادها به طور کامل از هم بپاشد و در مواردی حتی اعضایش محکوم به حبس‌های طولانی مدت شوند. اساساً نه تنها سازمان‌های امنیتی بلکه قوه مجریه، مقننه، قضاییه و حتی بالاتر از همه آن‌ها، رهبر جمهوری اسلامی، اعتقاد دارند سمن‌ها نهادهایی ساخته و پرداخته «دشمن» برای براندازی نظام و اجرای پروژه نفوذ در کشور هستند.

نمونه این نوع نگرش‌ها را می‌توان در مطبوعات وابسته ایران به نهادهای حاکمیتی به وفور یافت. برای مثال خبرگزاری مشرق

1. http://www.unic-ir.org/index.php?option=com_content&view=article&id=40&Itemid=156&lang=en
2. <https://www.liberties.eu/en/news/participatory-democracy-under-threat-summary/12755>
3. <http://triplecitizens.eu/wp-content/uploads/04/2016/NGOs-and-the-judiciary-Recommendations-ENG-1.pdf>

وابسته^۴ به سپاه پاسداران در گزارشی^۵ می‌نویسد: «بر اساس اسناد منتشر شده در مجموعه جزوات «ظرفیت‌سازی سازمانی» به قلم باقر نمازی، دقیقاً در دوره سازندگی و پس از پایان جنگ، غرب به این نتیجه رسید که NGOها به عنوان نهادهایی غیردولتی که از نظارت نهادهای قانونی در امان هستند و توانایی اجرای زیرزمینی پروژه‌های ویژه را توأمان دارا هستند...». در نمونه دیگری علیرضا زاکانی یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای^۶ می‌گوید: «سال ۷۹ کیان تاجبخش می‌گفت که از طرف بنیاد سوروس مامور شده تا با ایجاد تشکل‌های مردمی (ان‌جی‌او‌ها) مردم را از نظام دور کند».

در گزارش دیگری^۷ خبرگزاری مشرق سازمان‌های مردم‌نهاد را مسئول پروژه براندازی از طریق سه روش زیر معرفی می‌کند: «فعال‌شدن سازمان‌های مردم‌نهاد و افزایش مطالبه‌گری در خصوص پیاده‌سازی ارزش‌های غربی در حاکمیت؛ تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای افزایش مشارکت اجتماعی با هدف اعمال فشار بر حاکمیت؛ و تقویت اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌های جامعه مدنی و غیردولتی به‌منظور به‌چالش کشیدن سیاست‌های نظام.»

اما این رویکرد تنها در قالب گزارش یا مقاله نمانده بلکه در عمل هم باعث تضعیف سمن‌ها در ایران در مراحل قبل از ثبت و در هنگام فعالیت آنها شده است. قبل از پیروسی ثبت یک سمن به لحاظ قانونی، درخواست کنندگان ثبت باید به وزارت اطلاعات برای احراز صلاحیت سیاسی، به نیروی انتظامی برای استعلام صلاحیت اخلاقی-انتظامی و به قوه قضاییه برای انگشت‌نگاری از اعضا مراجعه کنند.^۸ روندی که عملاً باعث رد درخواست ثبت بسیاری از سمن‌ها در همان ابتدای امر شده است.

مخصوصاً اگر سمنی در موضوع فعالیت خود فعالیت‌های حقوق بشری را بگنجانند عملاً باید درخواست ثبت خود را رد شده بدانند. اما نوع دیگری از تهدید و فشار بر سمن‌ها وجود دارد که به مرحله فعالیت آنها پس از ثبت بازمی‌گردد و متأسفانه شمار این نوع از سرکوب‌ها توسط حکومت ایران کم نیست. شاید مهم‌ترین این سمن‌ها که معروف‌ترین عضو آن یعنی نرگس محمدی^۹ تا امروز به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری خود در زندان به سر می‌برد،

4. <https://www.dw.com/fa-ir/-انقلاب-نماینده-ولی-فقیه-از-سازمانهای-واپسته-به-سپاه>

5. <https://www.mashreghnews.ir/news/832571/-محیط>

6. <https://www.tasnimnews.com/fa/-زیست-اینکاری-پهچیده-برای-شبکه-سازی-نفوذ-عکس>

7. <https://www.tasnimnews.com/fa/-تغییر-ایمان-و-اعتقاد-مردم-بدترین-926128/03/09/1394/>

8. <https://www.mashreghnews.ir/news/857669/-شبهه-حوزه-نفوذ-دشمن-است>

9. <https://www.sko.ir/Index.aspx?page=form&lang=1&sub=0&tempname=main&PageID=3492>

10. <https://www.dw.com/fa-ir/-دو-پرونده-جدید-با-شش-اتهام-علیه-نرگس-محمدی-تشکیل-شد>

کانون مدافعان حقوق بشر باشد که علی رغم ثبت نزد وزارت کشور جمهوری اسلامی، نتوانست فعالیت کند^۱ و تمام اعضایش توسط قوه قضاییه و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با اتهام های سنگین مواجه شدند.

از دیگر موارد برخورد های امنیتی با سمن ها پرونده موسسه «حیات وحش میراث پارسیان» است که در سال ۱۳۹۱ بعنوان یک موسسه غیرمجازی مجوز خود را از وزارت کشور جمهوری اسلامی برای حمایت از محیط زیست و حیات وحش دریافت کرد^۲ اما تنها چند سال بعد بسیاری از اعضایش از جمله کاووس سید امامی (که در زندان تحت شکنجه و خفگی در اثر فشار به گردن به قتل رسید^۳) در حالی که حتی به وکیل هم دسترسی نداشتند به ۵۸ سال زندان به اتهام جاسوسی محکوم شدند و هنوز هم در زندان به سر می برند.^۴

روند سرکوب به اینجا ختم نمی شود. در تازه ترین مورد، بازداشت سه تن از اعضای جمعیت خیریه امام علی به اتهام های «ارتباط با عناصر خارجی، اظهار نظر های امنیتی، ارتباط با گروهک های ضد انقلاب همچون منافقین، توهین به مقدسات»^۵ بر سر زبان ها افتاد. جمعیت امام علی از سمن های بین المللی و بسیار موثر ایران بود که آوازه جهانی داشت و فعالیت های بسیار خوبی در راستای مبارزه به فقر از خود نشان داده بود^۶ که متأسفانه در راستای همین سیاست سرکوب و دشمن پنداری سمن ها با مشکل مواجه شد.

قوانین حمایتی برای سمن ها

در اغلب کشورهای جهان قوانین حمایتی زیادی برای حمایت از سمن ها وجود دارد چرا که به اعتقاد اندیشمندان علوم انسانی، سازمان های مردم نهاد بخشی از وظایف حاکمیت را که حکومت در انجام آنها موفق نبوده، انجام می دهند و کم کاری دولت را در این بخش ها جبران می کنند.

سمن ها به کاهش فقر، از بین بردن تبعیض، ترویج اصول حقوق بشر و سایر اموری که جزو وظایف اصلی حاکمیت است کمک می کنند و به همین دلیل هم بسیاری از کشورها قوانین حمایتی برای تشویق فعالیت سمن ها در نظر می گیرند. یکی از این نوع حمایت ها معافیت سمن ها از پرداخت مالیات است.

برای مثال در حقوق امریکا بسیاری از سمن ها از پرداخت مالیات معاف هستند و حتی شهروندان آمریکایی می توانند مالیات مقرر

1. <https://www.humanrights-ir.org/about-us>
2. <https://www.mashreghnews.ir/news/939695/>
3. <https://www.radiofarda.com/a/after-emami-on-result-mediacl-examination/29307259.html>
4. <https://ir.voanews.com/persiannewsiran-human-rights-20>
5. <https://www.yjc.ir/fa/news/7408874/> همه آنچه باید در -
6. <https://www.bbc.com/persian/iran-features-53133915>

مورد - متهمان - بازداشتی - جمعیت - امام - علی - ع - بد انیم



سمن ها عضو لاینفک دموکراسی ها هستند تا آنجا که می توان گفت هیچ کشوری بدون

داشتن سمن های قدرتمند توان تبدیل شدن به یک دموکراسی را ندارد

اخذ مالیات از سمن ها انعکاس یافته است؛ رویکردی که حکایت از معاف نبودن سمن ها از پرداخت مالیات دارد.

تحریم ها و مشکلات بودجه ای سمن های ایرانی

سنگ اندازی های حکومت جمهوری اسلامی تنها مشکل سمن های ایرانی نیست بلکه آنها با سنگ اندازی های بین المللی هم دست به گریبان اند. یکی از این مشکلات تحریم های ایالات متحده آمریکاست که به دلیل تحریم بانک مرکزی ایران عملاً امکان کمک مالی خارجی به سمن های ایرانی را از بین برده است و بالاتر از این، حتی ایرانیان خارج از کشور هم امکان فاند ریزینگ برای کمک به سمن ها و خیریه های داخل ایران را از دست داده اند.^۱

در گزارشی^۲ که دیدبان حقوق بشر از زبان یکی از مسئولان شورای

1. <https://nonprofitquarterly.org/us-sanctions-hinder-relief-efforts-irans-earthquake-survivors/>
2. <https://www.hrw.org/report/29/10/2019/maximum-pressure/us-economic-sanctions-harm-110025/67>

پناهندگان نروژ در ایران منتشر کرده، به مشکلات مالی این سازمان اشاره شده است. این سازمان یکی از سازمان های بین المللی مستقر در ایران است که به پناهجویان افغان ساکن ایران کمک می کند اما به دلیل تحریم های آمریکا در انتقال پول به ایران دچار مشکل شده و فعالیتش در ایران دچار وقفه شده است.

مشکل از این هم فراتر رفته و موسسات حقوق بشری ثبت شده در خارج از ایران که اساساً فعالیت و دفترشان در کشورهای اروپایی است اما برای اعتلای وضعیت حقوق بشر در داخل ایران تلاش می کنند هم از این گزند در امان نبوده اند و بعضاً حتی با اعطای معافیت مالیاتی از وزارت خزانه داری آمریکا، کماکان حساب های بانکی شان از جانب سیستم بانکداری بین المللی به مشکل خورده است!

هرچند وزارت خزانه داری آمریکا معافیت هایی^۳ برای انتقال غذا و دارو به ایران وضع کرده است اما باید به این حقیقت توجه کرد که سمن های ایرانی در حالی که در داخل بشدت با مشکلات اقتصادی دست به گریبان اند نیاز به کمک های مالی خارجی دارند تا شاید بتوانند به فعالیت های خود ادامه دهند اما ظاهراً حوزه حقوق بشر و جامعه مدنی نمی تواند از جنگ های سیاسی و بین المللی در امان باشد.

سمن های برانداز

متأسفانه سازمان های مردم نهاد از منظر هر چهار رکن اصلی نظام نه به عنوان نهادهای قوام بخش جامعه مدنی، بلکه به عنوان نهادهای برانداز مخالف نظام شناخته می شوند حتی اگر سمنی صرفاً به امور خیریه بپردازد باز هم از گزند چنین اتهاماتی در امان نخواهد بود چونان که جمعیت امام علی در امان نبود.

شاید بتوان گفت تنها نوع سازمان مردم نهاد که نظام جمهوری اسلامی آن را به رسمیت می شناسد، مساجد است! مساجدی که دیگر آنها هم مردم نهاد به حساب نمی آیند چرا که با نفوذ مقام های مختلف حاکمیتی، ماهیت مردمی خود را از دست داده اند و به تریبون هایی برای تبلیغ سیاست های حکومت بدل شده اند.

به نظر، اصلی ترین مانع رشد سمن ها در ایران حرص بی پایان حکومت جمهوری اسلامی به تسلط بر تمام حوزه های جامعه و به بند کشیدن تمام هسته های قدرت مردمی باشد. حکومتی که حتی از فعالیت های یک جمعیت خیریه می هراسد قطعاً نخواهد توانست با این واقعیت کنار بیاید که استقلال سازمان های مردم نهاد تمام جوهره این سازمان ها را تشکیل می دهند و باید به آن احترام بگذارد.

iranians-right-health

3. <https://home.treasury.gov/policy-issues/financial-sanctions/sanctions-programs-and-country-information/iran-sanctions>

«سمن»ها و نقض نظام‌مند حقوق بشر در ایران



بهنام دارایی‌زاده

اشاره:

رابطه میان حاکمیت جمهوری اسلامی با «سازمان‌های مردم‌نهاد»، پیچیده و چندوجهی است. این رابطه را می‌توان در ابعاد مختلفی تحلیل کرد. از یک سوی می‌شود به استناد ساختار بسته سیاسی در ایران، نشان داد که سازمان‌ها یا مجموعه‌های مردم‌نهاد، همواره به عنوان گروه یا مجموعه‌هایی «مشکوک» در نظر گرفته شده‌اند؛ و از سویی دیگر، می‌شود با ارجاع به سیاست‌های اقتصادی تمامی دولت‌های بعد از «جنگ»، استدلال کرد که بخش بزرگی از وظایف نهاد دولت، اعم از «تامین اجتماعی» یا «محیط‌زیست»، تعمداً و برنامه‌ریزی شده به بخش خصوصی یا غیردولتی واگذار شده است. امری که در ظاهر، یا دست‌کم به لحاظ نظری، می‌تواند به معنای «تقویت جامعه مدنی» یا مراکز غیردولتی باشد. اما در واقعیت امر، مسئله به گونه‌ای دیگر پیش می‌رود. در این یادداشت سعی می‌شود نشان داده شود که چرا رویکرد متناقض نظام جمهوری اسلامی در قبال سازمان‌های مردم‌نهاد، «امنیتی» و در نهایت به نقض نظام‌مند حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انجامیده است.

یکم) بخشی بزرگ و مهمی از مجموعه حقوق بشر، در گستره‌ی حقوق مدنی-سیاسی یا حقوق بشر «نسل اول»

طبقه‌بندی می‌شود. این حقوق ناظر به فعالیت‌های اجتماعی آزادانه شهروندان یا حقوقی است که قاعدتاً بایستی در گستره‌ی یک جامعه مدنی واقعی از آن برخوردار شوند. واقعیت این است که حق تشکیل‌یابی یا ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مدنی، به منظور پی‌گیری حقوق و آزادی‌های صنفی و... خودش یکی از حقوق مندرج در اسناد مختلف حقوق بشری، از جمله در اعلامیه حقوق بشر یا کنوانسیون‌های دوگانه ۱۹۶۶ سازمان ملل است. علاوه بر اسناد متفاوت حقوق بشری، قانون اساسی جمهوری اسلامی هم در اصل ۲۶ خود به نوعی به «حق تشکیل‌یابی» یا ایجاد سازمان‌هایی مردم‌نهاد و غیردولتی پرداخته است. هرچند پذیرش این حق مدنی، مشروط به رعایت اصول کلی نظام جمهوری اسلامی یا موازین «اسلامی» شده است.

به این معنا که شما به عنوان یک شهروند، حق ندارید که به طور صلح‌آمیز دست به هر فعالیت که خواستید بزنید. حتی اگر این فعالیت یا اقدام جمعی شما، اساساً با حقوق و آزادی‌های سایر شهروندان منافاتی نداشته باشد یا فاقد هرگونه جنبه‌های نفرت‌پراکنی و... باشد.

برای مثال، در چهارچوب رژیم حقوقی جمهوری اسلامی، شما نمی‌توانید حتی یک جمع کوچک برای «مطالعات آنتیستی» یا نشر «آزای خداناباورانه» تشکیل دهید. چرا به راحتی، چنین فعالیت‌هایی مشخصاً مسالمت‌آمیزی می‌تواند مشمول



فعالیت‌های ضداسلامی تعریف شود.

دوم) واقعیت این است که ساختار بسته سیاسی در ایران، موجب شده است که کارکرد بسیاری از نهادی اجتماعی در ایران مخدوش شود. در نیمه‌ی دوم دهه ۷۰، پس از روی کار آمدن دولت محمد خاتمی، در زمانی که آرام‌آرام برخی از نشریه‌ها و روزنامه‌های «اصلاح‌طلب» در ایران پا می‌گرفتند، یکی از حمله‌های مداوم نیروهای به اصطلاح «اصول‌طلب» این بود که این نشریه‌ها یا روزنامه‌ها، به گفته خود علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، تبدیل به «پایگاه دشمن» شده‌اند. به این معنا که این روزنامه‌ها و نشریات، اساساً کار «رسانه‌ای»

انجام نمی‌دهند و در عمل دارند «پروژه‌های سیاسی نیروهای مخالف» را پیش می‌برند. حتی اگر بخواهیم چنین گفته‌های غرض‌ورزانه‌ای را نیز بپذیریم، باید بگوییم که وجود چنین فضا یا گرایش‌هایی، محصول مستقیم عمل کرد جمهوری اسلامی و نبود هرگونه امکانی برای شکل‌گیری احزاب سیاسی است. در نبود احزاب آزاد، قابل پیش‌بینی است که بخشی از فعالان و کنشگران سیاسی و اجتماعی، برای رساندن پیام یا صدای خفته شده خود، از رسانه‌ها و اندک فضاهای موجود استفاده کنند.

در خصوص سازمان‌های غیردولتی هم دقیقاً وضعیت به همین

ترتیب است؛ به این معنا که کماکان رویکرد اصلی حاکمیت به فعالیتهای سازمانهای غیردولتی و مردم‌نهاد، رویکردی «امنیتی» توأم با سوظن و شک است.

فعالان این سازمانهای مردم‌نهاد، حتی اگر هیچ سابقه فعالیت سیاسی هم نداشته باشند، ممکن است با اتهامهای امنیتی جدی، نظیر جاسوسی یا همکاری با دستگاههای اطلاعاتی کشورهای خارجی، روبه‌رو شوند. پرونده فعالان محیط‌زیستی در ایران، از نمونه‌های برجسته چنین رویکردی است.

سوم) علاوه بر فضای بسته سیاسی، به نظر می‌رسد که نگاه «امنیتی» به عمل‌کرد سازمانهای مردم‌نهاد، محصول چند عامل دیگر نیز است. نخست این که بخش بزرگی از سازمانها یا نهادهای مردم‌نهاد، «مطالبه‌گر» هستند. به این معنا که در نهایت به منظور پی‌گیری یک حق، یا در نتیجه تضییع یک حق به وجود آمده‌اند.

فعالان محیط‌زیستی، کنش‌گران حقوق کودک و کودکان کار، فعالانی که برای گروه‌های به حاشیه‌رانده شده‌تر جامعه، نظیر معتادان یا زندانیان عادی و... کار می‌کنند؛ همه‌گی در تحلیل نهایی، انگشت اتهام را به سوی نهادهای قدرت یا ناکارآمدی دستگاه‌های دولتی نشانه می‌گیرند. موضوعی که خوشایند صاحبان قدرت نیست و می‌تواند زمینه اعتراض‌های اجتماعی را فراهم آورد.

دلیل دیگر «نگاه امنیتی» به کار و فعالیت سازمانهای مردم‌نهاد در ایران، این است این مراکز می‌توانند کارکردهای «نظارتی» داشته باشند. به این معنا که تداوم فعالیت‌های این مراکز، می‌تواند افشاگر فسادها یا ناکارآمدی‌های ساختاری در دستگاه حاکمه ایران باشند.

سازمان‌های مردم‌نهاد، به اعتبار این که عموماً «غیرانتفاعی» هستند یا در راستای منافع عمومی فعالیت می‌کنند؛ معمولاً کم‌تر دچار فسادهای سازمان‌یافته می‌شوند. همین «شفافیت» یا «آزادی عمل» بیش‌تر، به آنها این امکان را می‌دهد تا در برابر فسادهای سازمان‌یافته، ملاحظات کم‌تری داشته باشند یا سکوت نکنند.

چهارم) واقعیت این است که برابر اسناد متفاوت حقوق بشری، اعم از داخلی و بین‌المللی، تامین بخش مهمی از حقوق و آزادی‌ها، به نهاد «دولت» واگذار شده است. به این معنا که دولت‌ها موظف هستند، با اتکا به بودجه‌های عمومی، بخش مهمی از حقوق و آزادی‌های معرفی شده در اسناد

حقوق بشری، به طور مشخص در حیطه‌ی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای عموم مردم، بدون تبعیض، تامین کنند.

«آموزش»، «بهداشت و خدمات درمانی»، «تامین اجتماعی»، «فراهم حداقل‌های امکان معیشت»، «مسکن و سرپناه»، «برخورداري از محیط زیست سالم» و... همگی در زمره حقوقی هستند که در گستره‌ی «حقوق بشر نسل دوم» جای می‌گیرند و تامین آن نیازمند دخالت برنامه‌ریزی شده نهاد دولت و البته فراهم بودن منابع مالی مناسب است.

لزوم برنامه‌ریزی و پی‌گیری سیاست‌های «توسعه‌محور» در حالی است که نه تنها در ایران، بل که در بسیاری دیگر از کشورها هم، سال‌به‌سال از مسئولیت‌ها و وظایف دولت در تامین این دست از حقوق، برای عموم مردم، کاسته شده است. دولت‌ها تلاش کرده‌اند با پی‌گیری سیاست‌های موسوم به «ریاضت اقتصادی»، «مقررات‌زدایی» و پیش‌برد برنامه‌های «نئولیبرالی»، تامین بخش بزرگی از این حقوق را به عنوان «کالا»، به بخش خصوصی یا سازمان‌های غیردولتی واگذار کنند.

پنهان نمی‌توان کرد که توان سازمان‌های مردم‌نهاد، به عنوان مراکزی که برخلاف بخش خصوصی تجاری، اهداف «سودمحور» ندارد، محدود است. به این معنا که این سازمان‌ها، در مقایسه با برنامه‌های توسعه‌محور دولت‌های پیشرو، یا سازمان‌های تجاری، با توان بسیار کم‌تری می‌تواند حقوقی نظیر «آموزش» یا «تامین اجتماعی» برای اقشار آسیب‌پذیر تامین کنند.

واقعیت این است نگاه امنیتی به سازمان‌های مردم‌نهاد، از یک‌سوی به تضییع نظام‌مند بسیاری از حقوق مدنی-سیاسی، نظیر «حق تشکیل اتحادیه و سندیکا‌های مستقل کارگری» انجامیده است. و از سوی دیگر، دولت با سلب مسئولیت از خود، تامین بسیاری از حقوق موسوم به «تسل دوم»، نظیر «حق آموزش»، «تامین اجتماعی» «خدمات درمانی»، را به بخش غیردولتی واگذار کرده است. بخشی که یا ناتوان است یا این حقوق را به عنوان «کالا» در اختیار جامعه قرار می‌دهد. در هر دو حالت، آشکار است که تداوم این وضعیت تا چه اندازه می‌تواند به نقض نظام‌مند حقوق و آزادی‌های اساسی، به ویژه در گستره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیانجامد.

سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران، محدودیت‌ها و چشم اندازه‌ها

گفت‌وگو با عبدالکریم لاهیجی



جواد عباسی توللی

سازمان غیردولتی یا انجمن مردم‌نهاد که به اختصار «NGO» خوانده می‌شود، متشکل از گروهی افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه، با تشکیلات سازمان‌یافته برای اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند. این سازمان‌ها در جوامع توسعه یافته عهده‌دار پیش‌برد اهداف اجتماعی، مدنی، اخلاقی، زیست محیطی و موضوعاتی از این دست هستند. عنوان «سازمان» از آن رو برای آنها کاربرد دارد که تلاش جمعی هدفمند و فعالیت با تقسیم کار و مسئولیت در میان اعضای این نهادها به وضوح وجود دارد.

هر سازمان مردم‌نهاد ویژگی‌های مشخصی دارد که از آن جمله می‌توان به غیرانتفاعی بودن با اهداف عام‌المنفعه، استقلال مالی و اداری از دولت و عضویت داوطلبانه و بدون پیش‌شرط‌های حکومتی اشاره کرد.

هر چند «سازمان‌های غیردولتی» از زمان تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ شکلی رسمی به خود گرفتند اما شکل‌گیری و رشد گسترده آن در جامعه مدنی ایران به اواسط

دهه ۷۰ شمسی و پس از روی کار آمدن دولت محمد خاتمی برمی‌گردد؛ به‌نحوی که این نهادها توانستند خود را به عنوان یکی از پایه‌های اصلی جامعه مدنی در ایران معرفی کنند. ایدئولوژی حاکم بر ایران اما همواره با مضر دانستن رشد و گسترش نهادهای مدنی مستقل از یک‌سو و ایجاد نهادهای موازی و وابسته به حاکمیت از سوی دیگر، سعی در نابودی این نهادهای مدنی غیروابسته به دولت داشته است. حاکمیت اقتدارگرا در ایران همواره به انحاء مختلف از جمله تشکیل تشکلهای ظاهراً مستقل اما در عمل وابسته به حکومت، تهدید و ارباب فعالان مدنی، بازرسی‌های خودسرانه به قصد فشار بر فعالان مستقل از دولت و همچنین مشروط کردن فعالیت به اخذ مجوز از دستگاه‌های دولتی، سعی در اعمال نظارت حداکثری بر آنها دارد.

پلمب دفتر و محل فعالیت و تحت فشار قرار دادن «جمعیت امام علی»، نمونه‌ای مشخص از تلاش نهادهای امنیتی و قضایی ایران برای سرکوب جامعه مدنی را پیش روی ما می‌گذارد.

اوایل تیر ماه امسال با شکایت قرارگاه ثارالله سپاه، نیروهای امنیتی با یورش به خانه سه تن از هیأت مؤسس جمعیت

امام علی به نام‌های شارمین میمندی‌نژاد، مرتضی کی‌منش و کتایون افرازه، آن‌ها را بازداشت کردند. هرچند افرازه و کی‌منش یک ماه بعد به قید وثیقه آزاد شدند اما میمندی‌نژاد همچنان در بازداشت به سر می‌برد.

یورش به جمعیت امام علی در حالی انجام شد که این سازمان مردم‌نهاد در سال‌های اخیر با دارا بودن بیش از ۱۰ هزار عضو، فعالیت‌های موفق در زمینه کمک‌رسانی به محرومان و توانمندسازی کودکان کار و زنان بی‌سرپرست داشته است. از سوی دیگر شواهد نشان می‌دهند نهادهای امنیتی در تلاشند تا یک سازمان به‌ظاهر مستقل اما در عمل تحت نفوذ نهادهای امنیتی به نام «جمعیت مردمی امام رضایی‌ها» را جایگزین جمعیت امام علی کنند.

فشار نیروهای امنیتی بر سازمان‌های مردم‌نهاد اما تنها محدود به جمعیت امام علی نبوده. جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان نیز از جمله سازمان‌های مردم‌نهادی بود که اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ از سوی «پلیس اطلاعات و امنیت ناجا» تعطیل شد.

بنا بر اعلام فعالان این سازمان مردم‌نهاد، این تعطیلی متعاقب اختاریه‌ای صورت گرفته بود که مأموران پلیس امنیت در روزهای پس از تعطیل شدن جمعیت دفاع، به «نظافتچی» این سازمان ارائه کرده بودند.

خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران اما در گزارشی که در اردیبهشت همان سال در مورد دلایل پلمب دفتر مرکزی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان منتشر کرد، «آموزش‌های ضد دینی» و «سوءاستفاده جنسی» را دلیل تعطیل شدن این سازمان مردم‌نهاد، عنوان کرد.

پلمب دفتر جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در حالی انجام شد که طبق اعلام فعالان این سازمان، در سال ۱۳۸۱ مجوز رسمی و بدون تاریخ انقضا از سوی وزارت کشور برای فعالیت این سازمان صادر شده بود.

این برخوردها نشان از عدم وجود حمایت قانونی دارند و همچنین از عملکرد فراقانونی نهادهای امنیتی و قضایی در ایران پرده برمی‌دارند که بسترساز فشار و ایجاد محدودیت برای فعالیت انجمن‌های مردم‌نهاد شده‌اند.

«حقوق ما» برای بررسی بیشتر خلاءهای قانونی در زمینه فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین میزان استقلال این سازمان‌ها، پرسش‌هایی را با عبدالکریم لاهیجی، حقوق‌دان و

فعال برجسته حقوق بشر در میان گذاشته است.

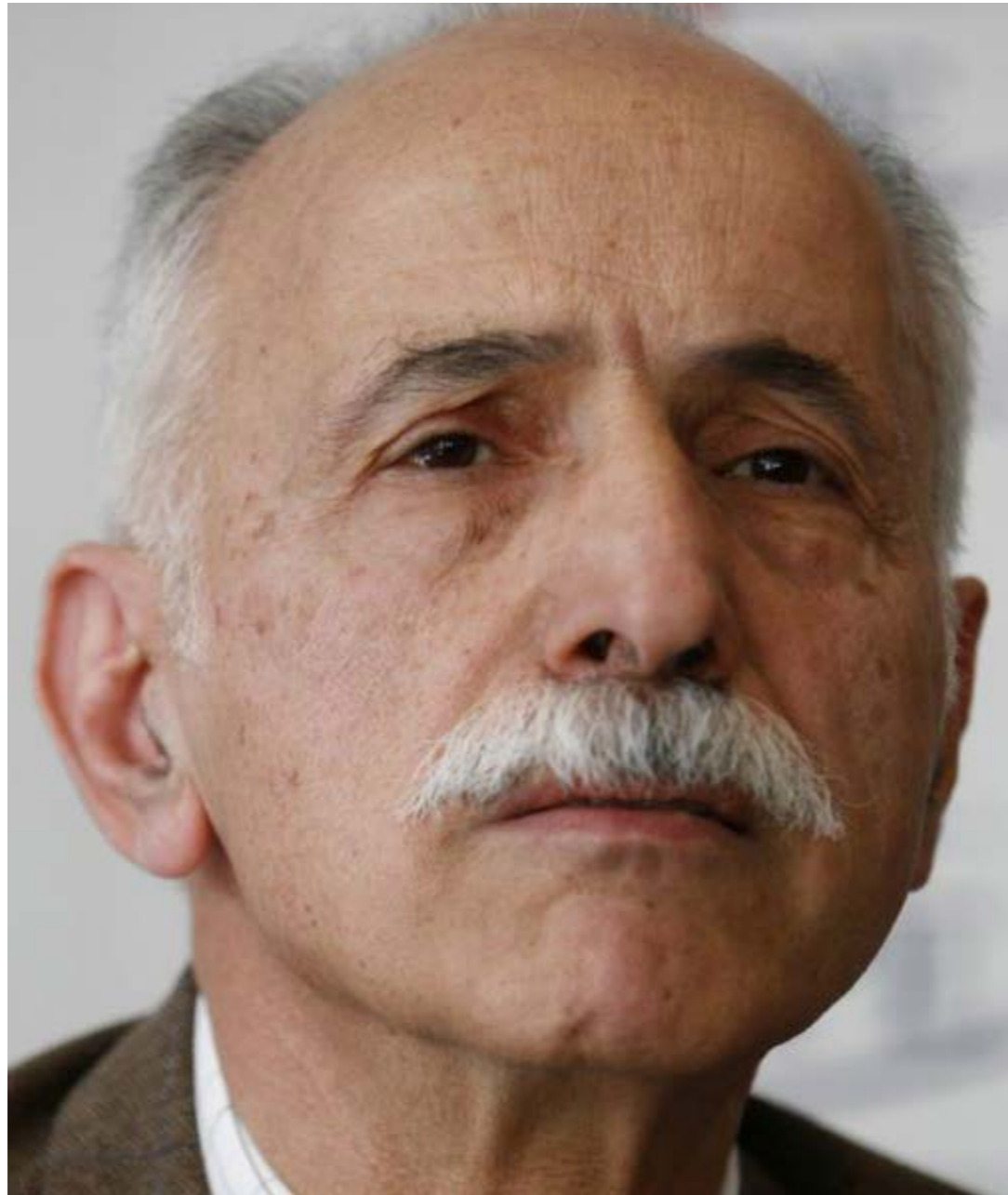
حقوق ما: با توجه به فشارهایی که در سال‌های اخیر بر سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران وارد شده، آیا قانون جامعی برای حفاظت از این سازمان‌ها در برابر اقدامات خودسرانه و فراقانونی نهادهای امنیتی و قضایی وجود دارد؟

عبدالکریم لاهیجی: مهم‌ترین قانون، قانون اساسی است. در اصل ۲۶ قانون اساسی بر تشکیل احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های صنفی - سیاسی تأکید شده است. ۳۰ سال پیش کتابی نوشته‌ام زیر عنوان «پلورالیسم سیاسی در ایران» و در آن کتاب به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ام که با توجه به صراحت اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی، هر جمعیت و هر حزبی را در ایران می‌توان تأسیس کرد.

باید یادآوری کنم در نخستین دولت آقای [محمد] خاتمی یک مقدار فضای سیاسی باز شد و با آزادی‌هایی که به مخالفان داده شد، روزنامه‌ها و نشریات زیادی منتشر شدند و همچنین فعالیت وسیعی در حوزه سازمان‌دهی موسسات، انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی انجام شد اما از همان زمان نهادهای وابسته به حکومت و در رأس آن‌ها قوه قضاییه، سعی در محدودسازی این فعالیت‌ها کردند.

در دولت اول خاتمی در وزارت کشور دفتری را برای ثبت انجمن‌های مردم‌نهاد تأسیس کردند. «کانون مدافعان حقوق بشر» از جمله سازمان‌های غیردولتی در همان دوره بود که توسط پنج وکیل دادگستری تأسیس شد. علی‌رغم اینکه هیأت موسس موفق به ثبت کانون مدافعان شده بود اما وزارت کشور تحت فشار وزارت اطلاعات، به آنها گواهی ثبت ندادند. با همه این اوصاف کانون مدافعان فعالیت می‌کرد و از همین طریق نیز توانست به عضویت «فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر» درآید. فعالیت این کانون تا رویدادهای پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ ادامه داشت که در نهایت نهادهای امنیتی در آن سال دفتر کانون را بستند و تعدادی از کارگزاران آن را هم بازداشت کردند.

منظور از بازگو کردن این تجربه این است که هر آیین‌نامه و هر قانونی هم که وضع شده باشد در وهله اول نمی‌تواند مخالف قانون اساسی باشد اما از طرف دیگر گفته می‌شود راه‌اندازی هر تشکل مشروط بر این است که با «موازین اسلامی و



استقلال و آزادی و وحدت ملی» تعارض نداشته باشد. همان‌طور که می‌دانیم این متریست که اندازه آن در دست وزارت اطلاعات و دادگاه‌های انقلاب است و برای مثال زمانی می‌توانند بگویند اندازه این متر ۵۰ سانتیمتر است و در وقتی دیگر هم می‌توانند بگویند ۱۰۰ سانتیمتر است و با توسل به همین تعاریف مبهم، مانع فعالیت سازمان‌دهندگان انجمن‌های مردم‌نهاد شوند.

سیاست دیگری هم که همواره از همان ابتدا و در دوران خاتمی اعمال می‌کردند، فشار وارد کردن بر سازمان‌های غیردولتی به منظور عضوگیری جدید بود. یعنی مثلاً کانون مدافعان که توسط پنج وکیل دادگستری تأسیس شده بود، باید متعهد

می‌شد تا عضو جدید معرفی کند و نهادهای دولتی از این طریق می‌توانستند مأموران خود را وارد این سازمان کنند. این شیوه‌ای بود که نهادهای امنیتی با توسل به آن و به زعم خودشان با سوء استفاده از سازوکارهای دموکراتیک، در هر دوره‌ای که انتخابات سازمان‌های مردم‌نهاد برگزار می‌شد می‌توانستند اکثریت را به‌دست آورده و آن سازمان‌ها را تصرف کنند. در حال حاضر هم همین وضعیت را برای جمعیت امام علی پیش آورده‌اند و اعلام کرده‌اند آنها باید عضوگیری جدید بکنند تا کسانی که مورد تأیید وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای امنیتی هستند وارد این سازمان شده و مدیریتش را از چنگ فعالان مستقل در بیاورند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net



همچنین با در نظر گرفتن ضعف‌ها و خلاءهای قانونی موجود در این زمینه، چه چشم‌اندازی برای آینده این نهادها در ایران متصور هستید؟

در دولت خاتمی - با توجه به اینکه برنامه فضای باز بود - کافی‌ست ببینیم روزنامه‌ها و مجلاتی که در آن زمان منتشر می‌شدند در سال‌های بعد به چه سرنوشتی دچار شدند. همین وضعیت هم در مورد نهادهای مردمی وجود دارد. یعنی سیاست جمهوری اسلامی طی ۲۰ سال گذشته همیشه روی محدودسازی و تحدید آزادی‌ها بوده تا گستردن آزادی‌ها.

از طرف دیگر چون مجموعه حکومت در ایران اهل تقلب و قلب حقیقت هم هست، برای اینکه در فضای بین‌المللی نشان دهد در ایران احزاب و جمعیت‌های آزاد وجود دارند که می‌توانند مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت کنند، همواره مجوزهایی صادر می‌کنند. یعنی حتی اگر در ابتدا هم اطمینان صد درصد نداشته باشند که پایه‌گذاران سازمان‌های مردم‌نهاد تحت امر آنها خواهند بود، سیاست‌هایی اتخاذ می‌کنند تا فعالیت‌ها را در نهایت مطابق سلیقه خود پیش ببرند و اگر موفق به این کار نشوند، شروع به فشار آوردن بر فعالان مستقل می‌کنند. بنابراین روز به روز این فعالیت‌ها محدودتر شده و ده‌ها یا شاید صدها سازمان غیر دولتی طی ۲۰ سال گذشته در ایران به همین صورت به تعطیلی کشانده شدند.

در حال حاضر یکی از دلایل محکومیت خانم نرگس محمدی و خانم نسرين ستوده فعالیت برای «لغو مجازات اعدام» عنوان شده است یا نمونه‌ای دیگر، انجمن دفاع از زندانیان است که موسس آن یعنی عمادالدین باقی مدتی هم در ارتباط با همین انجمن در زندان بود. تا جایی که می‌دانم انجمن دفاع از زندانیان ثبت شده و اجازه فعالیت هم داشت اما با فشارهایی که آوردند اکنون فعالیتی ندارد. در واقع اشاره‌ام به تناقض‌هایی است که در سیاست‌های جمهوری اسلامی وجود دارد. به این ترتیب که دولت‌های مختلف در ابتدا یک قول و قرارهایی می‌گذارند و وعده‌هایی می‌دهند؛ مثل حسن روحانی که وعده حقوق شهروندی داده بود اما به مرور با سد وزارت اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی مواجه می‌شوند و بنابراین یا به طور کلی آن وعده به فراموشی سپرده می‌شود یا اینکه نهادهای امنیتی و قضایی سعی می‌کنند با تقلب، پوسته را نگه داشته و محتوا را خالی کنند.

در سال‌های گذشته شاهد بودیم که حکومت جمهوری اسلامی همواره از یک‌سو سعی در محدودسازی انجمن‌های مردم‌نهاد داشته و از سوی دیگر با ایجاد نهادهای موازی تلاش کرده جای خالی این نهادها را با نهادهای وابسته به دولت پر کند. به نظر شما اساساً این انجمن‌ها چه کارکردی برای حاکمیت دارند؟

وقتی شما می‌گویید سازمان غیردولتی یعنی یک سازمان مستقل. برای همین منظور یک اصطلاحی سال‌هاست که در محافل حقوق بشری استفاده می‌شود که به آن سازمان‌های غیردولتی-دولتی حقوق بشر (Government-organized non-governmental organization) یا به اختصار (GONGO) گفته می‌شود.

هر سال اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل تشکیل می‌شود و من به تجربه، از ۳۰ سال پیش بارها و بارها چه در کمیسیون حقوق بشر سابق و چه در شورای حقوق بشر کنونی شاهد بوده‌ام که همواره چند سازمان غیردولتی هم از طرف ایران در این اجلاس شرکت می‌کنند. همه سازمان‌های شرکت‌کننده اما در عمل دولتی هستند هر چند که نامشان غیردولتی است. یعنی سازمان‌هایی هستند که توسط وزارت اطلاعات تأسیس شده و به آن‌ها عنوان سازمان غیردولتی داده‌اند. این سازمان‌ها در طی سال‌های گذشته با شرکت در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل، مدافع سرسخت سیاست جمهوری اسلامی بودند و با اعتراضات سازمان‌های غیردولتی یا بین‌المللی یا جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران درباره وضعیت حقوق بشر، مخالفت می‌کردند. دقیق‌تر اینکه سازمان‌هایی که از طرف ایران در اجلاس شورا شرکت می‌کنند رقیب سازمان‌های غیردولتی هستند و در عمل تبدیل به بلندگوی هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی می‌شوند.

خواست و اراده دولت و نهادهای دولتی در ایران همواره بر این است که با تصرف همه امکانات از روزنامه، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های خبری گرفته تا سازمان‌های غیردولتی، بتوانند طرف مقابل (در اینجا سازمان‌های مردم‌نهاد) را «مقلوب» کرده و یک سری نهادهای قلابی و غیرواقعی را به عنوان نهادهای غیردولتی به جامعه و جهان معرفی کنند.

با در نظر گرفتن عملکرد نهادهای دولتی و به ویژه قوه قضاییه در برخورد با انجمن‌های مردم‌نهاد در ایران و